

افزایش ۱۰۰۰ همتی سپرده‌های بانکی در ۶ ماه

صفحه ۱۶



خبرنگار «فرهیختگان» ۲ روز در حاشیه خیابان انقلاب کتاب فروخته است

در دنیای کتاب قاچاق چه خبر است؟

۱۳ و ۱۲

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید رانوی مضمون:
روایت سال‌های جنگ



www.fdn.ir | Wed | 27 Sep 2023 | vol.15 | No. 3967 | 16 Pages



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

پرونده «فرهیختگان»: قوانین مصوب دولت‌های بعد از جنگ چه نسبتی با ایده تقویت مدارس دولتی داشتند؟

داستان فراموشی مدارس دولتی

۱۵ و ۱۴

رئیس واحد تهران شرق در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تشریح کرد

ایده تبدیل دانشگاه به قطب صنعت

۵،۱۴

دالانی که ترکیه به دنبال ایجاد آن در ارمنستان است، کارکرد امنیتی دارد

زنگه زور ناتو

۸

خبر بازداشت فرزند یکی از مستولان قضایی تأیید شد

فرصت و تهدید برخورد با یک دانه درشت دیگر

۱

مولفه‌های مشترک بحران‌های اقتصادی

یادداشت



سیدمهرداد ضیاتیان
پژوهشگر پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت

جهان مملو از تجربه کشورهای موفق و ناموفق در تامین رفاه مردمانشان است. مطالعه تجربه کشورهای ناموفق بی‌ارزش است. راه‌ها را نشان مان می‌دهد و مطالعه تجربه کشورهای موفق می‌تواند الگوهای درست سیاست‌گذاری را به ما معرفی کند. البته این همه ماجرا نیست. تردیدی نیست لحاظ مختصات اقتصاد کشور خودی و توجه به شرایط نهادی و محیطی حائز اهمیت بوده و غفلت از آنها حتی با وجود اتخاذ سیاست‌هایی مشابه با کشورهای موفق، می‌تواند ناکامی را به دنبال داشته باشد. یادداشت حاضر نگاهی اجمالی به بحران اقتصادی کشور لبنان خواهد داشت و در کنار آن به برخی اشتراکات و تفاوت‌ها توجه خواهد شد. هنگامی که بحران اقتصادی صحبت می‌شود، مواردی نظیر بالا بودن تورم و بدهی عمومی و پایین بودن مصرف و سرمایه‌گذاری از نشانه‌های آن است. علاوه بر این رشد اقتصادی منفی و ضعیف و سقوط درآمد سرانه نیز می‌تواند برآیند عملکرد تمامی نیروی‌های پیش‌برنده بحران باشد. اقتصاد لبنان در چند سال اخیر با سقوط قابل توجه درآمد سرانه مواجه بوده است؛ به گونه‌ای که این متغیر اقتصادی در سال ۲۰۱۸ از رقم ۱۱۳۴ دلار به کمتر از ۴۰۰ دلار کاهش یافته است. به عبارت دیگر، چنانچه درآمد سرانه شاخصی برای اندازه‌گیری سطح رفاه در نظر بگیریم، مردم لبنان در بازه سال‌های ۲۰۱۸ الی ۲۰۲۲ دوسوم از رفاه خود را از دست داده‌اند. البته این شیوه از قضاوت مناقشه برانگیز و قابل انتقاد است و نگارنده نیز به این موضوع توجه دارد، اما تکیه بر درآمد سرانه به منظور ترسیم ساده و همه‌فهم از بحرانی که مردم لبنان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، شاخص مناسبی است. در چند سال اخیر نابرابری افزایش یافته و طبقه متوسط در حال ناپدید شدن است. نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی به مرز ۱۸۰ درصد رسیده و نظام بانکی در بحرانی عمیق فرو رفته است؛ سپرده‌گذاران امکان خارج کردن سپرده‌ها را ندارند و تورم بالا و سرکوب نرخ بهره منجر شده تا جریان تامین مالی به نفع بام‌گیرندگان و به ضرر سپرده‌گذاران باشد. سرمایه‌گذاری خصوصی نیز کاهش یافته و عمدتاً در بخش املاک و مستغلات انجام می‌شود. در حال حاضر، سه‌گانه بحران اجتماعی، بحران فرو پاشی دولت و بحران نظام بانکی منجر شده تا تصور وجود هرگونه راه‌حل و برون رفت از وضعیت جاری دشوار به نظر برسد. در گذر زمان، جریان سرمایه ورودی به لبنان منجر شد تا بخش خصوصی فراتر از تولیدات خود، مصرف کند و این موضوع، یعنی عدم توازن بین دخل و خرج گریبانگیر اقتصاد لبنان شد. همچنین حجم بالای استقراض خارجی نیز بر عمق بحران افزوده است. سرکوب نرخ ارز نیز از سال ۱۹۹۷ آغاز و در گذر زمان تبدیل به سیاست اصلی نظام حکمرانی شد. کسری بودجه مداوم نیز به تحول در کارکرد بانک مرکزی انجامید. به واسطه کسری‌های مستمر و بالا، هدف اصلی بانک مرکزی از تامین مالی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری به تامین مالی کسری بودجه مبدل شد و تورم بالا و سقوط سطح زندگی مردم را به دنبال داشت. پولی سازی کسری بودجه در رشد بالای عرضه پول نمایان است. در بازه سال‌های ۲۰۱۸ الی ۲۰۲۲ عرضه پول ۱۰۶ برابر و به تبع آن، سطح قیمت‌ها نیز با افزایش ۱۰۶ برابری مواجه شد. تمامی اینها به سقوط استانداردهای زندگی، سقوط قدرت خرید دستمزد ها، افزایش بیکاری و افزایش نرخ فقر به بالای ۵۰ درصد منجر شده است. نموداریک تصویری از سقوط تقاضای داخلی است که نشان می‌دهد هیچ‌کدام از مولفه‌های پیش‌بران رشد اقتصادی در وضعیت امیدوارکننده‌ای قرار ندارند.

ادامه در صفحه ۳

خبر بازداشت فرزند یکی از مستولان قضایی تأیید شد فرصت و تهدید برخورد با یک دانه درشت دیگر

سرمقاله



محمدامین ایمانجانی
مدیر مسئول

یک سیستم هرچقدر بتواند خود را از درون اصلاح کند امکان تحول در آن جدی‌تر می‌شود. فراهم بودن امکان تحول هم یعنی تضمین بقا. این اصلاح‌گری اگر از درون مجموعه‌ای باشد که شأن نظارتی و قضایی دارد مهم‌تر هم است. اگر از این زاویه به خبر بازداشت فرزند یکی از مستولان ارشد قوه قضائیه و رسیدگی به پرونده او که دیروز از طرف سخنگوی قوه قضائیه طرح شد نگاه کنیم یک اتفاق مثبت و رو به جلو افتاده است. چند سال اخیر را که مرور کنیم به اسامی درشتی می‌رسیم که در جنگ قانون افتاده‌اند و لباس راه‌راه به تن شان رفته است، از حسن فریدون و مهدی هاشمی گرفته تا حمید بقایی و اسفندیار رحیم‌مشایی و اکبر طبری و... این یعنی برخورد با دانه درشت‌ها که روزگاری به افسانه شبیه بود و با حسرت اخبار نوع‌گرای و چینی‌اش را می‌شنیدیم. حالا عملی شده است. در خصوص نسبت مجازات و جرم این افراد و حسن جامعه نسبت به آن البته می‌توان مخالف بود، بحث کرد و نظر داد، اما بالاخره با همه فراز و فرودها اصل کار انجام شده و یک تابلو شکسته شده است. نکته دیگر برخورد درون قوه‌ای با تخلفات است. دستگیری اخیر که توسط خود قوه انجام شده است نشان داد ماجرای برخورد با طبری یک اقدام تصادفی و نمایشی نبوده و اراده‌ای در درون دستگاه قضا وجود دارد که دستمال آلوده را پاک‌سازی کند. ماجرای اخیر البته ابعاد مهم دیگری هم دارد. به محض بروز نخستین نشانه‌ها از وقوع تخلف که به حدود شش ماه قبل بازمی‌گردد رئیس قوه شصت‌سوم می‌دهد دو نهاد یکی داخل قوه و یکی خارج از آن به موازات و به شکل مستقل موضوع را بدون ملاحظه از شأن و نسبت سببی بررسی کنند و نتیجه تحقیقات چند ماهه رسیدن به یک تخلف حرفه‌ای و پیچیده بوده که شناسایی آن کار ساده‌ای نبوده است. البته همه ماجرا این نیست، این داستان با نمایه‌های خوشنودکننده‌ای که دارد سواستی را هم ممکن است در افکار عمومی ایجاد کند. مهم‌ترین سوال این است که چطور می‌شود بستر و مجرای وقوع چنین مفاسدی را مسدود کرد؟ به سیاهه بالادقت کنید، تنوعی از سیاق‌ها و مزاج‌های سیاسی را می‌بینید؛ اینکه دستگاه قضا فراجنحی و فراقوه‌ای با فساد برخورد کرده است سرچای خودش مثبت، اما اینکه از مجرای و در چه بستری این فسادها شکل گرفته و چرا به حال با این فرآیند برخورد نشده، مساله ساز است. توقع از دستگاه قضا از جایی به بعد این است که باید زیر میز بزند و بستر وقوع فساد را بیخسکاند، یعنی به جای عامل و کارگزار با فرآیند و ساختار فساد برخورد کند. در نگاه کلی هرچقدر سیستم‌ها به سمت شفافیت و نظارت مردمی بروند امکان تخلفات سازمان یافته و سوء استفاده از قدرت در آنها کمتر می‌شود، مقاومت برخی جریان‌ها در برابر شفافیت هم احتمالاً از همین جنس است. شفافیت سیستمی آنتی تر فساد و پادزهر سم مهلک و ویژه خواری و سودجویی خانوادگی و... است. پیش‌بردن پروژه شفافیت البته ملزموتی دارد که یکی از ملزموتات آن داشتن رسانه‌ای پیش‌رو و مرجعیت رسانه‌ای است، مرجعیت رسانه‌ای هم امری خلق الساعه و دفعی نیست. مرجعیت و اعتماد به رسانه در دروغ می‌دهد اما به یکباره از بین می‌رود. در همین ماجرای برخورد با فرزند مقام ارشد دستگاه قضایی ای‌کاش مسئولان مربوطه آن محافظه‌کاری کلاسیک را کنار می‌گذارند و اجازه می‌دهند رسانه‌ها از جمله رسانه خود دستگاه قضا روایت اول را بسازند تا تمامی مزیت‌های خود اصلاحی و برخورد درونی با فساد به حساب دستگاه قضا و نظام برود.

چهل و سومین فصل ایستادگی، مقاومت و پیروزی ملت ایران در حماسه دفاع مقدس گرامی باد.

هفته دفاع مقدس | ۳۱ شهریور تا ۲ مهر

Sacred Defense Week | September 22-29



بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس



۱۰ مهرماه ۱۳۹۱، منطقه سومار، عملیات مسلم بن عقیل (ع)، عکاس: علی فریدونی